

صحنه قتل «آی نور» بازسازی شد

نگاه

چالش موبایل قاپی با سرقت های سریالی



محمد غفاری
دبیر گروه حوادث

صبح ۱۸ مرداد امسال افرادی که در صف دستگاه عابربانک صادرات در خیابان استاد معین ایستاده بودند، شاهد قاپیدن گوشی تلفن همراه یکی از مشتریان بودند. سارق که کلاه لیه دار به سر داشت و ماسک به صورت زده بود، سریع خودش را به خیابان رساند و سوار موتور لاکي ۱۸۰ شد و با همدستش فرار کردند. یک هفته بعد فیلم صحنه این سرقت که توسط دوربین های بانک ضبط شده بود توسط باشگاه خبرنگاران جوان انتشار یافت.

دو روز بعد فیلم دیگری از سارقان منتشر شد و این بار سارق سراغ مشتری بانکی در خیابان گیشا رفته و گوشی او را قاپید و با کمک همدستش و با همان موتور گریخت.

بر اساس فیلم، مالباخته ابتدا مقابل عابربانک ایستاده بود که سارق به او نزدیک شده و در ورودی بانک موبایلش را می قاپد. این سرقت که یکم تیرماه سال گذشته رخ داد نشان می دهد متهمان از سارقان کلاه کلاه هستند که بیش از یک سال است در تهران سرقت می کنند.

درحالی که به نظر می رسد سارقان، طعمه های خود را در غرب تهران و از مقابل بانک ها انتخاب می کنند فیلم های دیگری از سرقت های آنها منتشر شد که این بار در محله های مختلف مثل یوسف آباد، خاوران و خیابان دماوند سرقت کرده بودند. مالباختگان این بار مشتری بانک نبوده و در پیاده راه ایستاده بودند.

گذاشتن فیلم های سرقت در کنار هم، ما را در برابر دزدانی حرفه ای و ترس قرار می دهد که به نظر می رسد با انتشار فیلم هایشان در شبکه های اجتماعی همچنان با همان تیپ و ظاهر در خیابان ها در ترد هستند و قصد دارند پلیس را به چالش بکشند.

سارق اصلی پرونده پسری جوان با هیکلی ورزیده است که در اغلب سرقت ها ملوار چین و پیراهن آبی به تن دارد. او در تمام سرقت ها با کلاه بیسبالی از برند گورین براز دیده می شود و از این که دوربین های مدار بسته صحنه سرقت را ثبت کنند، نمی ترسد. به همین خاطر بیشتر در مناطقی سرقت می کند که دوربین دارند.

با شناسایی مشتریان در مقابل عابربانک ها و کنار خیابان سارق از ترک موتور پیاده شده و در کمتر از دو ثانیه گوشی را قاپیده و سپس فرار می کنند. در تمام سرقت ها موتور زیر پای آنها لاکي ۱۸۰ مشکی با رنگ زرد است.

بر اساس تصاویری که از چهره آنها منتشر شده به نظر می رسد با دزدان دهه هشتادی روبه ر هستیم که بدون ترس از دستگیری یک سالی است موبایل قاپی می کنند. دزدانی سحر خیز که اغلب صبح ها سراغ سرقت می روند و در این کار حرفه ای شده اند.

حالا شهروندان هم برای دستگیری دزدان به پلیس کمک می کنند و دیروز راننده اتوبوسی آنها را در خیابان جیحون شناسایی و از دو موتورسوار فیلم گرفت و منتشر کرد. بیرون آمدن سارقان بعد از انتشار گسترده فیلم سرقت هایشان با همان تیپ و ظاهر نشان می دهد خطر دستگیری را حس نکرده و به خود ایمان دارند که در این چالش می توانند از دست پلیس فرار کنند.

حال انتشار فیلم های گسترده از متهمان این توقع را برای شهروندان ایجاد کرده تا پلیس خیلی زود آنها را دستگیر کرده و به سرقت هایشان پایان دهد.



عکس از متهمان که برای شناسایی در شبکه های اجتماعی منتشر شده است

دادستان عمومی و انقلاب الیگودرز جزئیات جدیدی از قتل آی نور، کودک سه ساله اهل یکی از روستاهای این شهرستان را تشریح کرد. آی نور دختر سه ساله اهل روستای ده سفید حاج درویش الیگودرز، ۱۸ مرداد ناپدید و ظهر ۲۳ مرداد، پیکرش در یک چاه فاضلاب در روستای ده سفید پیدا شد و قاتل آی نور پس از پنج روز از یافتن این جسد شناسایی شد. دادستان، بازپرس ویژه و کارآگاهان نیروی انتظامی الیگودرز متهمان را دیروز به محل حادثه منتقل و آنها صحنه قتل آی نور را بازسازی کردند و تحقیقات

ادعای عجیب مرد همسرکش:

همسرم را شکل مار دیدم سرش را بریدم!

مردی که در جنایت هولناک سر همسرش را بریده بود، در جلسه محاکمه مدعی شد همسر خود را به شکل ماری سفید دیده و او را کشته است. با درخواست وکیل متهم،

قرار شد سلامت روانی او در کمیسیون پزشکی قانونی بررسی شود. به گزارش خبرنگار جام جم، ساعت ۴:۲۲ صبح یکشنبه مفتیم اردیبهشت سال ۱۳۹۹ و همزمان با دومین روز ماه رمضان ساکنان ساختمانی در شهرک احمدیه خانی آبادنو صدای فریاد مرد همسایه و گریه های نوزاد او را شنیدند. آنها خود را به طبقه اول رسانده و پس از ورود به خانه ۳۰ متری با جسد بدون سر زن ۴۰ ساله در مقابل در حمام روبه رو شدند. یکی از همسایه ها با پلیس تماس گرفت و تیمی از ماموران دقایقی بعد در محل حاضر شدند.

آثار به هم ریختگی و لکه های خون روی دیوارها و نیز کهنواره دختر هشت ماهه دیده می شد. روی دستان مرد ۴۳ ساله هم خراش هایی وجود داشت. مرد جوان در تحقیقات اولیه مدعی شد وقتی از خواب بیدار شده جسد همسرش را در مقابل حمام خانه دیده و نمی داند چه کسی او را به قتل رسانده است. در اطراف خانه این زوج، زمین مغروبه ای بود که بازپرس جنایی دستور بررسی محل را داد. در ادامه یک کیسه که در آن لباس های خونین همسر مقتول و یک خنجر قرار داشت، پیدا شد.

بازجویی ها ادامه پیدا کرد تا این که متهم پس از سه ساعت لب به اعتراف گشود و به قتل همسرش اعتراف کرد. او در بازجویی ها گفت: من و همسرم همشهری بودیم و در یکی از شهرستان های شرقی کشور زندگی می کردیم. ۱۵ سال پیش ازدواج کردیم و به

پلیس برای رسیدن به سرخ هایی از این ماجرا ابعاد تازه ای به خود گرفت. جعفر گودرزی، دادستان الیگودرز در این باره به تسنیم گفت: صحنه قتل این کودک سه ساله را امروز در روستای ده سفید با حضور متهمان این پرونده بازسازی کردیم. اعترافات زن میانسال قاتل آی نور و عروس او در بازجویی های جدید با هم تناقض دارد، در حال بررسی تکمیلی ابعاد این پرونده هستیم. زن قاتل در بازجویی های اولیه به انتقال جسد آی نور پس از خفه کردن به داخل چاه فاضلاب با یک فرعون اقرار اما از سوی دیگر نیز



به پرتاب دمپایی های این کودک به آن سوی جاده روستا و بعد پیدا کردن آنها اعتراف کرده است. گودرزی با تأکید به این که ابعاد بررسی قتل آی نور وارد جزئیات جدیدی شده است، ابراز کرد: دو د پسر خانواده قاتل نیز در بازجویی های جدید هم اکنون در مظان اتهام هستند. او با اعلام این که «ما در بازجویی جدید به تمام خانواده همسایه آی نور مشکوک شده ایم»، توضیح داد: «پزشکی قانونی در حال بررسی جسد این کودک است. مادرشوهر و عروس همسایه آی نور هم اکنون در بازداشت هستند.



ماجرای خواب های عجیب و غریب می دیدم. ماری سفید را در خواب می دیدم که دور گردنم پیچیده بود و داشت خفهام می کرد. هر بار با وحشت از خواب بیدار می شدم. این کابوس دست از سرم بر نمی داشت. آخرین بار هم ماری سفید را دیدم که روی سر همسرم قرار داشت. من آن شب همسرم را به شکل یک مار دیدم و خواستم آن را بکشم. در ادامه وکیل متهم در جایگاه ایستاد و گفت: من معتقدم که موکلم جنون دارد و گزارش پزشکی قانونی درباره سلامت روان او به من ابلاغ نشده تا بتوانم به آن اعتراض کنم. درخواست دارم برای بررسی های تخصصی، موکلم به پزشکی قانونی منتقل و در کمیسیون تخصصی سلامت روانی او بررسی شود. پس از این درخواست، قضات دادگاه با درخواست وکیل متهم موافقت کرده و او را برای بررسی سلامت روانی به پزشکی قانونی معرفی کردند.

اتفاقیه



پارکینگ وارد شده و سپس چهار واحد را در طبقه اول و دوم خالی کردند. مالک خانه طبقه دوم در تحقیقات به ماموران گفت: دزدان تمام ارز، طلا و دلار برده و حتی به اجیل و میوه روی میز هم رحم نکردند. درحالی که بعد از هفت ماه پلیس ردی از سارقان به دست نیابورده بود، اهالی ساختمان نتوانستند هویت سرکرده باند سرقت که پنج سابقه کیفری دارد را شناسایی کنند. سارق فراری که متوجه شده بود مالباختگان به دنبال او هستند، در اقدامی عجیب وکیلش را سراغ چهار مالباخته فرستاد و مدعی شد اگر رضایت دهید حاضرم خسارت وارد شده را جبران کنم. یکی از ساکنان ساختمان در این باره به جام جم گفت: چند روز قبل یکی از اهالی که بگیکر پرونده بود از طریق وکیل متهم توانست مقدار زیادی از خسارتش را دریافت و اعلام رضایت کند. بعد از آن وکیل سارق با من و دو همسایه دیگر تماس گرفت و پیشنهاد جبران خسارت

در مقابل اعلام رضایت را داد که ما هم قبول کردیم. وی مدعی شد: درحالی که وکیل متهم بگیکر پرداخت خسارت و جلب رضایت بود از پلیس آگاهی با ما تماس گرفتند و در مورد این موضوع سؤال کردند که ما هم گفتیم در صورت دریافت خسارت از دزد فراری، رضایت خواهیم داد. درحالی که منتظر تماس وکیل بودیم متوجه شدیم پلیس آگاهی جلوی انجام این کار را گرفته و وکیل متهم هم منصرف شده است. این مالباخته افزود: به ماموران پلیس اعتراض کردیم که گفتند وقت بدهدت تا دزد را دستگیر کنیم و بعد به پول تان برسید. خودمان هویت دزد را شناسایی کردیم و در این هفت ماه پلیس موفق به دستگیری او نشده است. حالا نمی گذارد ما به پول خودمان که دزد راضی است برگرداند برسیم. بعد از هفت ماه استرس و دوندگی ما فقط پول خودمان را می خواهیم.

عدلیه

دردسر خرید گنج قلابی از مرد معتاد

مرد معتاد که به بهانه فروش النگوهای عتیقه دو مشتری را زندانی کرده بود تا از آنها آلتی کند، با داشت شد. به گزارش خبرنگار جام جم، روزهای پایانی هفته گذشته مردی با حضور در پلیس آگاهی تهران از فردی به اتهام آدم ربایی به قصد اخاذی شکایت کرد و گفت: در یکی از بارک های جنوبی تهران نشسته بودم که مردی نزد آمد وسیگار تعارف کرد. در میان حرف هایش برایم تعریف کرد موقع حفاری در خانه روستایی اش النگوهای طلای عتیقه یافته و دنبال مشتری است و می تواند ارزان تر آن را به من بفروشد. عکس النگوهای عتیقه را به من نشان داد. موضوع را با یکی از دوستانم در میان گذاشتم و با فروشنده قرار معامله گذاشتمیم. دو روز بعد به محل قرار با فروشنده در جنوب تهران رفتمیم. مدعی شد النگوهای عتیقه را در ساختمان قدیمی پنهان کرده و ما را آنجا برد. اما هرچه منتظر شدیم طلاها را نیابور. با جاقو تهدید کرد هرچه پول و اموال قیمتی همراه داریم به او تحویل دهیم، در غیر این صورت همین جا ما را کشته و دفن می کند. تهدیدمان کرد باید با خانواده مان تماس تلفنی بگیریم و برای آزادی پول درخواست کنیم که مقاومت کردیم. کمک مان زد و فقط پول هایی که همراه داشتیم را سرقت و با بستن دست و پایمان فرار کرد. به سختی پارچه و طناب را باز کرده و نجات یافتیم. آنجا فهمیدیم که طلای عتیقه در کار نبوده و هدف اخاذی و سرقت از ما بوده است. ماموران به دنبال آدم ربای فراری بودند که دیروز در مولوی تهران بازداشت شد و در تحقیقات پلیسی گفت: اعتیاد داشتم و چند بار بابت اعتیاد و دعوا زندانی شده بودم. برای تأمین مواد بدلیجات دست دوم خریده و آنها را می فروختم. این دو مرد هم با دیدن النگوهای بدلی، تصور کردند عتیقه اند و سوسه شدند تا از آن سرم فرست کنند که نتوانستند و حالا به اتهام آدم ربایی دروغین از من شکایت کردند. حمید رضا کیبایستی نیا، بازپرس شعبه دوم دادسرای جنایی تهران با تأیید این خبر به من شکایت کردند. حمید رضا کیبایستی نیا، بازپرس شعبه دوم دادسرای جنایی تهران با تأیید این خبر به جام جم گفت: متهم در بازداشت به سر می برد و تحقیقات از او ادامه دارد.

جام جم

حوادث

دوشنبه ۲۹ مرداد ۱۴۰۳ شماره ۶۸۲۸

🔴 کوتاه از حوادث

شکایت از مسئولان بیمارستان در مرگ کودک

خانواده پسر دوساله که بر اثر اصابت کارد میوه خوری به بدنش فوت کرده بود از مسئولان بیمارستان به دلیل کوتاهی در درمان فرزندش شکایت کرد. به گزارش خبرنگار جام جم، دو روز پیش مردی با حضور در شعبه اول بازپرسی دادسرای جنایی تهران از پزشک و مسئولان بیمارستانی که در نجات فرزندش از مرگ کوتاهی کرده بودند شکایت کرد و گفت: اقوام را برای مهمانی در خانه ام دعوت کردم. سرم شلوار بود و مشغول پذیرایی بودم. پسر هم روی میل نشسته بود. او جاقویی برداشت تا میوه بخورد، اما ناگهان پایش از روی میل سر خورد و با جاقو به زمین افتاد. تیزی جاقو وارد قفسه سینه او شد. او را سریع به بیمارستان رساندیم. پزشکی در آنجا وضعیتش را بررسی کرد و به من و خانواده ام گفت زخمی که ایجاد شده سطحی است و به زودی خوب می شود، اما فرزندم در بیمارستان فوت کرد. اگر تشخیص پزشک و مسئولان بیمارستان درست بود و همان لحظات اولیه به درمان ادامه می دادند شاید فرزندم بهبود پیدا می کرد و زنده می ماند. قصور پزشک و معالج و مسئولان بیمارستان باعث مرگ او و اذغدار شدن ما شد. محسن اختیاری، بازپرس شعبه اول دادسرای جنایی تهران با تأیید این خبر به جام جم گفت: با توجه به این که این خانواده از پزشک و مسئولان بیمارستان بابت قصور در مرگ فرزندشان شکایت داشتند پرونده با نبود صلاحیت رسیدگی به دادسرای جرائم پزشکی ارسال شد.

فرار مرگبار مرد معتاد از بیمارستان

پسر معتاد بعد از فرار از بیمارستان برای تزریق مواد مخدر در خانه مادرش جان باخت. به گزارش خبرنگار جام جم، ظهر جمعه بیست وششم مرداد امسال مرگ مردی ۴۰ ساله در خانه مادرش در یکی از محله های جنوبی تهران به تیم جنایی تهران گزارش شد. مادر این مرد در اظهاراتش گفت: پسرم از ۲۰ سال قبل معتاد و بارها در کمپ بستری هم شده بود. آخرین بار هم شش ماه پیش در کمپ بستری شد. ۱۰ روز از مرگش از کمپ مرخص شد و به خانه خودش در ورآمین رفت، اما بد حال شده و در بیمارستان بستری شد. با وخامت حالش او را به بیمارستانی در تهران منتقل کردم. ظهر روز پنجشنبه برای خرید ناهار از بیمارستان بیرون رفتم، پسرم روی تخت خواب بود. ساعاتی بعد که بازگشتم او نبود، بیمارستان را جست و جو کردم، اما از پسرم خبری نبود و مسئولان بیمارستان هم متوجه فرار او نشده بودند. خسته و ناامید شده بودم. ظهر روز بعد به خانام بازگشتم که دیدم شیشه پنجره شکسته و قفل در تخریب شده است. پسرم در اتاق نشیمن افتاده بود. همان موقع به اورژانس زنگ زدم که آمدند و وضعیت او را بررسی کردند و معلوم شد سه ساعت از مرگش می گذرد. این در حالی بود که ماموران به تحقیق از همسایه ها پرداختند که معلوم شد صبح این جوان را دیدند که ساعت شش صبح جمعه شیشه را شکسته و قفل را تخریب کرده و وارد خانه شده و دیگر از او خبری نداشتند تا این که موقع ظهر با صدای فریاد و گریه های خانواده اش متوجه مرگ او شدند. محسن اختیاری، بازپرس شعبه اول دادسرای جنایی تهران با تأیید این خبر به جام جم گفت: تحقیقات در این باره ادامه داشت تا این که دیروز معلوم شد این مرد برای تزریق مواد از بیمارستان فرار و فوت کرده بود. خانواده مرد جوان از مسئولان بیمارستان شکایت کردند که چرا مراقب بیمار نبودند.

مرگ تلخ بعد از تزریق سرم

دانشگاه علوم پزشکی هرمگان با توجه به انتشار خبری با موضوع فوت خانمی در حاجی آباد به دلیل فقر آهن و تزریق سرم در بیمارستان در فضا مجاری، توضیحاتی ارائه داد. متوجهر کمالی، معاون درمان دانشگاه علوم پزشکی هرمگان در این باره گفت: این زن ۲۹ ساله ساعت ۱۲:۱۸ روز چهارشنبه، ۲۴ مرداد با در دست داشتن نسخه دارویی برای تزریق آیزوجکت، به صورت سریایی در بیمارستان فاطمه الزهرا حاجی آباد پذیرش شد. طبق نسخه پزشک معالج، دارو با ۳۰۰ سی سی سرم نرمال در مدت ۳۰ دقیقه تزریق و بیمار با حال عمومی خوب حدود ساعت ۱۳ ظهر همان روز از بیمارستان خارج شد. وی افزود، ساعت ۱۴:۲۷ دقیقه همان روز بیمار دوباره با علائم درد شکمی، کاهش سطح هوشیاری، اکسیژن و فشارخون با اوزن آنس ۱۱۵ به بیمارستان منتقل و بلافاصله از سوی پزشک عمومی اوزن آنس ویزیت شد. اکسیژن درمانی با ماسک در حضور اکسیژن شروع و آزمایشات لازم انجام شد. با توجه به خیزه متخصصان در بیمارستان، مشاوره، سرم تزایی و اقدامات دارویی و درمانی لازم صورت گرفت اما وضعیت بالینی بیمار وخیم شد. بیمار دچار ایست قلبی شد و اقدامات احیای قلبی، ریوی از ساعت ۱۵:۴۰ تا ۱۶:۱۶ ادامه یافت اما بیمار فوت کرد. در زمان احیا متخصصان بیهوشی، قلب و داخلی بر باین ایشن حضور داشتند.